

طرحی برای نجات پول ملی

خلاصه مقاله

کاهش تطبیق ناپدید ارز ریال در برابر پولهای خارجی نه فقط توریستی، مهار نشدنی را بر جامعه ما تحمیل کرده بلکه بر کل اقتصاد کشور اثرات مستفی و مخربی گذاشته است. اگر برای متوقف کردن روند نزولی ارزش پول ملی اقدام نشود، پیامدهای نامعلوم و مخربی در انتظار تحمیلی فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود. از طرفی روش‌های معمول و سازمانهای موجود برای مقابله با این ناهنجاری کافی و کارا نیستند و لذا روشی جدید که متولی اجرای آن باید یک سازمان ویژه باشد، برای حفظ ارزش پول ملی، و نهایتاً نجات اقتصاد عمومی کشور پیشنهاد می‌شود.

نوشته دکتر رحمت‌الله نیکنام
استاد اقتصاد دانشگاه تهران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیستم برابری ارزش ریال با سایر پولهای عمده خارجی روبه فروپاشی گذاشت که این فروپاشی تاکنون نیز استمرار داشته است. این روند ابتدا با دولتی کردن بانکها آغاز شد و به موازات افزایش دخالت‌های دولت در اقتصاد سرعت گرفت، تا جایی که امروز پول ما مثلاً در مقابل مارک آلمان به مقداری بیشتر از پنجاه برابر - پنج هزار درصد - تنزل ارزش یافته است.

چنین تنزل فاحشی که به معنای به حراج گذاشتن کلیه ثروتهای ملی، اعم از مادی و انسانی، است به ندرت در کشوری چون ایران که از ثبات سیاسی و استمرار قانونگذاری برخوردار بوده است مشاهده شده و طبعاً مسئولیت این ضایعه عظیم بر عهده مقامات اقتصادی است.

در طول همین سالها اقداماتی در جهت سر و سامان بخشیدن به سیستم ارزی کشور انجام شد که متأسفانه بدان علت که انسجام تئوریک نداشتند از ابتدا محکوم به شکست بودند.

آنچه در این نوشتار منظور نظر قرار دارد، ارائه یک سیستم بهم پیوسته تثبیت نرخ ریال است که اجرای آن با دادن یک نقش اساسی به سازمانی جدید شروع می‌شود و بتدریج اهمیت این نقش تقلیل یافته و بازار رُل اساسی را ایفاء می‌کند و سازمان جدید فقط مسئول مقابله با شوکها و تحولات کوتاه مدّت سیاسی و اقتصادی خواهد بود.

قبل از شروع به تشریح این سیستم لازم می‌دانم که: ۱- اهمیت ثبات ارزش پول ملی را یادآوری کرده و ۲- توجه خوانندگان را به این نکته جلب کنم که تا وقتی که دولت از پذیرفتن اسکناسهایی

دلار در منزل خود نگهداری می‌کند به معنای آنست که کشور ما عملاً هزار دلار به کشور آمریکا هدیه بلا عوض داده است چون آمریکا در مقابل این هزار دلار کالای حقیقی دریافت کرده است و در عوض چند ورق کاغذ سبز رنگ پرداخته و تا وقتی که این هزار دلار جهت خرید کالایی از کشور خارج نشود معادل هزار دلار از ثروت ما در اختیار آمریکا است.

از طرف دیگر نگهدارنده ایرانی این هزار دلار از نظر شخصی محاسبات دُرستی انجام داده و تصمیمی عقلانی اتخاذ کرده است؟ چون با سقوط مستمر ارزش پول داخلی او توانسته است که دارائی‌های شخصی خود را در مقابل تورم حفظ کرده و حتی سود هم ببرد (موقعی که سقوط ریال شدیدتر از افزایش شاخص قیمت‌ها باشد).

نتیجه اینکه وضعیتی پیش می‌آید که تصمیمات دُرست و عقلانی تک‌تک افراد جامعه در جهت حفظ ارزش دارائی و دسترنجشان مغایرت پیدا می‌کند با آنچه که صلاح و مصلحت کل جامعه، از جمله همین افراد، است.

فسادهای سیستم چند نرخ ارز

آنچه در بالا آمد مطالبی بود درباره عواقب و اثرات یک پول بی‌ارزش. اینک بطور مختصر نکاتی را درباره مضار بکارگیری سیستم چند نرخ ارز که متأسفانه سالهاست در کشور اجرا شده و اکنون نیز به نحو شدیدتری به آن برگشته‌ایم، می‌پردازم.

از نظر تئوری اقتصاد وجود یک سیستم چند نرخ ارز به معنای آنست که منحنی عرضه و تقاضا برای پول خارجی (مثلاً دلار) در چند نقطه هم‌دیگر را قطع کرده باشند. پدیده‌ای که در هیچ کتاب اقتصادی نمی‌توان مشاهده کرد!

از نظر عملی، این سیستم انواع اختلال‌های اقتصادی را در روند تخصیص منابع بوجود می‌آورد؛ تعیین قیمت اقتصادی کالاها را غیرممکن می‌سازد، حسابداری مؤسسات را بی‌معنی کرده و فعالیت‌های اقتصادی آنها را سودآور جلوه می‌دهد در حالی که حقیقت عکس آنست. همچنین بیان سالیانه بانکها نیز مفهوم خود را از دست می‌دهد، اخلاقیات مدیران اقتصادی هم

که خودش به گردش انداخته خودداری کند، نمی‌تواند انتظار داشته باشد، مردم آنرا به عنوان پس‌انداز نگهداری کنند.

پول بی‌ثبات و قوانین مخفی

۱- در مورد لزوم اهمیت دادن به ثبات ارزش پول ملی و توجه به نقش مخرب و خطرناکی که پول بی‌ثبات می‌تواند بوجود آورد به یک نقل قول از معروفترین اقتصاددان قرن بیستم، جان می‌نارد کینز، توسط با نفوذترین اقتصاددان همین قرن، فردریک ون‌هایک، می‌پردازم:

دراستی ظریف‌تر و مطمئن‌تر برای برانداختن بنیانهای جامعه نیست مگر از طریق بی‌ارزش کردن پول آن. این عمل تمام نیروهای مخفی شده در قوانین اقتصادی را برای نابود کردن جامعه بکار می‌گیرد و طوری این کار را انجام می‌دهد که حتی یک نفر از یک میلیون قادر به تشخیص آنها نیست.

۲- پذیرفتن و بها ندادن به پول ملی توسط ناشر آن (دولت)، عوارضی دارد که تعجب‌آور نیست و آن این است که دارندگان ریال بکوشند از آن خلاصی یابند و در اولین فرصت پول ایرانی خود را به یک پول قابل اعتماد تبدیل کنند. بنابراین یکی از اصول سیستم پیشنهادی این است که دولت پایبندی خود را به حفظ ارزش پولی که خودش نشر می‌کند در عمل نشان دهد و سپس مردم را تشویق به نگهداری آن کند.

در همین رابطه لازم است موضوع دیگری را هم تذکر داد و آن اینست که نگهداری پول خارجی توسط مردم کشور ما در حقیقت به معنای انتقال ثروت به مقدار همان پول است به خارجیان، بدون دریافت حتی یک شامی در ازای آن. مثلاً اگر شخصی هزار

در این روند تأثرکنیز سیر فقرانی طی می‌کند؛ رشوه، کمیسیونهای غیر قابل تشخیص، پارتی بازی و بی‌توجهی به خواسته‌های مصرف‌کنندگان همه‌گیر می‌شود. اعداد و ارقام اقتصادی نه فقط حقیقت را اعلام نمی‌کنند بلکه در مواقعی نتایج گمراه‌کننده‌ای را ارائه می‌دهند. استفاده بهینه از ظرفیت تولید مشکل شده و اعمال مدیریت اقتصادی مجال می‌شود و سیستم تولید بسان یک معناد، به ارزش متکی می‌شود بطوریکه اگر دائماً ارز به آن تزریق نگردد از حرکت باز می‌ماند. و بالاخره بدتر از همه اینکه بانک مرکزی توسط بازار به گروگان گرفته می‌شود بطوریکه دولت مجبور است مستمراً به سیستم، ارز تزریق کند بدون اینکه حتی مثلاً یکبار اتفاق بیفتد که بازار، ریال تقاضا کند و دولت از طریق دریافت ارز از بازار داخلی احتیاجات ریالی آنها را مرتفع سازد.

این وضعیت صرفنظر از نامناسب بودن برای فعالیتهای اقتصادی از نظر امنیتی هم بسیار خطرناک است چون به محض اینکه یکبار، به هر دلیلی، دولت قادر نباشد ارز بدهد، ریال در بازار آزاد آن چنان سقوطی خواهد کرد که مشابه آن را در مورد سیر فقرانی ارزش روپل روسیه در ماه گذشته (آبان) شاهد بودیم. اینک با توجه به آنچه گذشت می‌پردازیم به ارائه طرح ثبات ارزش ریال:

اهداف طرح

همانطوریکه از عنوان این مقاله نیز مستفاد می‌شود منظور در درجه اول جلوگیری از تنزل ارزش ریال و سپس ثابت نگه داشتن ارزش خارجی آنست در سطحی متناسب با سایر متغیرهای اقتصادی در دراز مدّت، بدون آنکه مستمراً احتیاج به تزریق پول خارجی به بازار باشد. بر اساس این طرح تغییر در ارزش ریال فقط در صورتی انجام می‌شود که یک عدم تعادل پایدار و حقیقی در اقتصاد داخلی مشاهده شود.

هدف فوق از طریق غیراقتصادی نمودن اقدامات مخرب سوداگران قابل دسترسی است بطوریکه دیگر فعالیت در بازار ارز برای آنها مقرون به صرفه نباشد. البته نباید تصور شود که در دوران انتقال به طرف هدف فوق جامعه دردی را تحمل نخواهد کرد. روند بالا درد دارد

ولی تحمل اندکی درد در شرایط حاضر رجحان دارد به دردکشیدن بسیار در آینده.

۲- اقدامات لازم

الف - در عصر یک پنجشنبه دولت اعلام می‌کند که به نرخ متوسط هفته گذشته در بازار آزاد، از صبح شنبه آینده به میزان نامحدود به کلبه متقاضیان بدون احتیاج ب، ارائه مدارک شناسائی ارز می‌فروشد و این ارز قابل انتقال به هر کجای دنیا می‌باشد.

ب - همچنین اعلام می‌شود که دولت تعهد می‌کند که در چهار هفته بعد نرخ اعلام شده بالا را هفته‌ای بیست ریال کاهش دهد و دو هفته قبل از پایان مهت بالا نرخ پائین‌تری را برای هفته‌های بعدی اعلام کند بطوریکه متقاضیان همیشه قیمت تضمین شده ریال را به ارز خارجی تا چهار هفته آینده بدانند.

ج - هم زمان اعلام می‌شود که بانکها الزامی در خرید ارزهای خارجی به نرخ اعلام شده ندارند مگر در مواردی که تعهدات بانکی آنها ایجاب می‌کند.

د - سازمان جدیدی جهت انجام موارد فوق ایجاد می‌شود که نیمی از ریالهای دریافت شده از فروش ارزها در اختیار آن قرار می‌گیرد. این سازمان در خارج کردن تمام یا بخشی از این وجوه از سیستم اقتصاد کشور مختار است.^{۱۱}

۳- اقدامات جنبی

با توجه به اینکه بازار ارز یا تیل بخش تجارت خارجی یکی از چهار بازار تعیین‌کننده تعادل عمومی در اقتصاد کلان جامعه است، سه به‌زار دیگر: کار، تولیدات داخلی، و پول سبز محتاج به تغییراتی هستند تا با اقدامات پیشنهاد شده همگام شده و امکان موفقیت آنها فراهم سازند. در غیر این صورت توفیقی حاصل نخواهد شد. لذا انجام اقدامات زیر نیز مصراً توصیه می‌شود.

الف - تسریع در روند خصوصی سازی

ب - تصحیح و تقویت سازمان بورس و اوراق بهادار

ج - تضمین، حفاظت و پشتیبانی از مالکیت خصوصی

د - تجدید نظر در قانون کار

ه- ایجاد یک جو حقیقی رقابتی بین تولید کنندگان، تقلیل هزینه‌های گمرکی و اعلام عدم حمایت ابدی از تولید کنندگان داخلی. علاوه تقلیل سریع سوبسیدها یا پرداخت آن به صورت نقدی برای مدتی کوتاه و مشخص.

و- انسحلال و ادغام تعدادی از

وزارتخانه‌ها

ز - تکیه تدریجی ولی فزاینده به سیستم بازار رقابتی به عنوان ابزاری برای تعیین قیمت و تخصیص منابع همراه با شکستن انحصارهای دولتی از بزرگ و کوچک و

انحلال سیستم برنامه‌ریزی پنجساله.

ح - تشویق مردم به مشارکت در امور سیاسی مخصوصاً در سطح محلی.

با توجه به آنچه گذشت قبل از پایان این نوشتار خود به طرح چند سؤال که ممکن است به ذهن خوانندگان خطور کرده باشد می‌پردازم و جواب آنها را ارائه می‌دهم:

یک سؤال این است که با توجه به حجم عظیم نقدینگی چگونه دولت می‌تواند از عهده بند الف قسمت ۲ (یعنی اعلام فروش ارز بدون محدودیت) برآید؟

حجم نقدینگی بسیار زیاد است، خیلی زیادتر از آنچه که اقتصاد کشور جهت انجام امور خود به آن نیاز دارد. از طرف دیگر مهمترین عامل تورم هم همین حجم بسیار زیاد نقدینگی است، که در سؤال بعدی به آن می‌پردازیم.

موضوع اساسی اینست که بخش بسیار کوچکی از این نقدینگی به صورت بالقوه آماده تبدیل شدن به ارز است. حجم پول (یا به قول اقتصاددانها M2) از سه قسمت تشکیل شده است: a) مقدار پولی که جهت انجام فعالیت‌های روزانه جامعه لازم است، b) مقدار ذخیره استراتژیکی که برای احتیاجات پیش‌بینی نشده نگهداری می‌شود و بالاخره c) مقداری ذخیره اضافی.

متأسفانه رقم آماری برای مقدار هر کدام از این سه قسمت وجود ندارد. به نظر نگارنده $a = 1/85$ ، $b = 1/10$ و $c = 1/5$ است، با احتمال چند درصد کمتر یا بیشتر برای هر کدام.

وقتی که از هجوم خریداران ارز صحبت می‌شود باید به مقدار c- کوچکترین رقم - نگاه کرد نه کل حجم پول که رقمی بسیار بزرگتر است.

نکته دیگر اینکه باید پرسید چرا باید همه دارندگان ذخیره اضافی تمایل به خرید ارز داشته باشند؟ وجود چنین تمایلی در همه افراد این گروه قابل تردید است.

بند ب از قسمت ۲ (کاهش تدریجی نرخ بوابری ارزها) خرید و نگهداری ارز را از اقدامی به سرمایه‌گذاری که در گذشته سودآور بوده است به یک سرمایه‌گذاری ضررآور تبدیل می‌کند. یعنی حالا سرمایه‌گذاری در بازار ارز یا به اصطلاح سوداگری حتماً ضرر دارد و با توجه به

اینکه این‌گونه خریداران فقط با هدف کسب سود اقدام به خرید ارز می‌کنند، دیگر این انگیزه خنثی شده وارد چنین بازاری نخواهند شد.

زیان حتمی به جای سود سرشار

از طرف دیگر دارندگان ارز در چنان شرایطی نه فقط روشنی سود را در افق نمی‌بینند، بلکه برای اولین بار در دوران بعد از انقلاب با ضرر حتمی حاصل از نگهداری ارز مواجه می‌شوند. لذا شروع بفروش ارز می‌کنند؛ خصوصاً اینکه یک هفته دیرتر فروختن به معنای تحمل ضرری بیشتر است. دلان ارز کنار خیابان هم خواهی نخواهی ناپدید شده و دنبال کار دیگری خواهند رفت. بنابراین انتظار می‌رود که با شروع اجرای این طرح دولت نه فقط مجبور به فروش ارز به مقداری بیشتر از امروز در بازار نباشد بلکه یقیناً نیاز به تزریق ارز کمتری خواهد بود و مهمتر آنکه از گروگان بودن در دست نامرئی «آدام اسمیت»^{۱۲} هم نجات می‌یابد!

در پاسخ به این سؤال نیز که این طرح چه اثری بر تورم لجام‌گسیخته اقتصاد ما دارد، باید گفت: اثرات مثبت و منفی خواهد داشت:

الف - اثرات مثبت. به چند دلیل تورم کاهش خواهد یافت. اول اینکه اجرای بند دال از قسمت ۲ موجب خواهد شد حجم پول در سیستم برای اولین بار در پانزده سال گذشته سیر نزولی طی کند. پول ایرانی کمتر خواهد شد و ندرت بیشتر برای پول به معنای ارزش بیشتر داشتن است و این امر یعنی نزول تورم. بندهای الف، ب، د، و تقلیل گمرکات از قسمت ۳ هم همین اثر را خواهند داشت. همچنین کل طرح در جهت پائین آوردن نرخ ارزها است و با توجه به اینکه قیمت ارزها نقش رهبری در تعیین جهت حرکت شاخص قیمت‌ها را دارند با پائین آمدن ارزش پولهای خارجی تورم هم پائین خواهد آمد.

ب - اثرات منفی. بعضی از قیمت‌ها فقط برای یکبار بطور جهشی و شدید بالا خواهند رفت. اینها قیمت‌هایی هستند که امروز شامل سوبسیدهای گزاف هستند و یا در گروه کالاهایی قرار دارند که به دلیل عدم ارتباط بین بازارهای داخلی خود را با سایر قیمت‌ها تطبیق نداده‌اند. با اجرای قسمت ۳ طرح پیشنهادی رابطه بازارهای داخلی مستقیم‌تر شده و این‌گونه قیمت‌ها فوری خود را با سایر قیمت‌ها در کشور تطبیق داده و شدیداً افزایش می‌یابند. بالا رفتن قیمت این‌گونه کالاها - از قبیل نان، انواع

سوخ‌ها، و دارو و غیره - درد خواهد داشت. این همان دردی است که در ابتدای قسمت ۱ طرح به آن اشاره شده است.^{۱۳}

و سرانجام سنوالی اساسی مطرح می‌شود و آن اینکه در چه موقع تعیین قیمت ارز به بازار سپرده می‌شود؟ طرح ثبات ارزش ریال در حقیقت به کارگیری یک سیستم ارزش‌های شناور هدایت شده را تجویز می‌کند، برای مدیریت اجرای آن، مخصوصاً با توجه به مندرجات قسمت ۳ این طرح هیچکدام از نهادهای اقتصادی موجود از کفایت لازم برخوردار نیستند. لذا در بند دال قسمت ۲ تأسیس یک سازمان جدید پیش‌بینی شده است که بتواند علاوه بر اقدامات ذکر شده در طرح تصمیمات مالی، درآمدی و گمرکی هم گرفته و به وزارتخانه‌های ذیربط دیکته کند و پاسخ بخواهد. این سازمان همچنین باید از اختیارات لازم برخوردار باشد تا بتواند به شوک‌های کوتاه مدت سیاسی و اقتصادی پاسخ مناسب بدهد، بطوریکه قیمت ارز دچار نوسان نگردد.

فعالیت این سازمان آنقدر ادامه می‌یابد تا قیمت ارز با سطح قیمت‌های موجود در اقتصاد هم‌آهنگ گردد و خلصت تورم‌زائی فعلی آن از بین برود. در چنین موقعی اقدامات پائین آوردن هفتگی قیمت ارز متوقف می‌شود و فقط نقش شوک‌زدائی آن حفظ می‌گردد.

در خاتمه ذکر این نکته لازم است که با عقیم شدن نقش مخرب سوداگران ارز علاوه بر از بین رفتن آثار ناهنجار فعالیت آنها مقادیر زیادی سرمایه و نیروی انسانی مولد آزاد می‌گردد که با حرکت به سوی بخشهای دیگر اقتصادی باعث شکوفائی تدریجی اقتصاد کشور می‌شود. □

1. John Maynard Keynes, Friedrich von Hayek, The Economic consequences of Peace (1919).

The collected writings of John Maynard Keynes: Macmillian, for the Royal Economic Society, 1971 V. P.149. نقل شد از کتاب New studies in .. by F.von Hayek Pg200.

۲- جزئیات ساختاری، فعالیتها، و اختیارات مدیریتی این سازمان خارج از مقله این نوشتار می‌باشد.

۳- آدام اسمیت اقتصاددان معروف قرن هجدهم انگلیس است و در اینجا مراد و مقصود ما رهایی اقتصاد کشور از دام فرضیه‌های اوست.

۴- از نظر تکنیکی این افزایش قیمت تورم محسوب نمی‌شود چون فقط یک بار اتفاق می‌افتد در حالیکه تورم افزایش فزاینده و مستمر قیمت‌ها است. ولی به هر حال قیمت دارد بالا می‌رود.